

10 فصل انقلاب



انقلاب اسلامی ایران که بسیار متفاوت‌تر از انقلاب‌های دیگر جهان، نه تنها زیرساخت‌ها و پایه‌های سیاسی، اجتماعی، اقتصادی و فرهنگی کشور را دستخوش دگرگونی بنیادی کرد بلکه در پی خود تاثیر شگرفی در احیای ارزش‌های اعتقادی و باورهای مذهبی مردم گذاشت.

انقلاب اسلامی ایران که بسیار متفاوت‌تر از انقلاب‌های دیگر جهان، نه تنها زیرساخت‌ها و پایه‌های سیاسی، اجتماعی، اقتصادی و فرهنگی کشور را دستخوش دگرگونی بنیادی کرد بلکه در پی خود تاثیر شگرفی در احیای ارزش‌های اعتقادی و باورهای مذهبی مردم گذاشت.

به گزارش **خبرگزاری فارس** از تبریز، انقلاب اسلامی ملت ایران که برگ برگ تاریخ آن با خون هزاران لاله نشکفته نگاشته شده در لابه‌لای اوج و فرودهای حرکتی خود، حوادث و اتفاقات تلخ و شیرینی را به عنوان سرفصل‌های ماندگار در قامت بلند تاریخ استبدادستیزی و آزادیخواهی سرزمینی به ثبت رسانده است که امروز الهام‌بخش بیداری ملل اقصی نقاط جهان است. شور یکپارچگی مردم در تمام سطوح جامعه به رهبری پیر فرزانه‌ای همچون امام راحل در شرایطی شب سیاه طاغوت و دیکتاتوری را آماج فریادهای اعتراضی و انقلابی کرد که رژیم تا دندان مسلح شاه از تمام ابزارها و امکانات در اختیار خود برای سرکوب و توقف سیل مخالفان استفاده می‌کرد و چه بسیار شهیدان حق‌طلبی که در این راه خون سرخشان درخت آزادی ایران را آبیاری و ریشه استکبار را خشک کرد. در باب چرایی و پیام‌ها و پیامدهای گسترده انقلاب اسلامی ایران سخن بسیار رفته، انقلابی که بسیار متفاوت‌تر از انقلاب‌های دیگر جهان نه تنها زیرساخت‌ها و پایه‌های سیاسی اجتماعی و اقتصادی و فرهنگی کشور را دستخوش دگرگونی بنیادی کرد بلکه در پس خود تاثیر شگرف در احیای ارزش‌های اعتقادی و باورهای مذهبی مردم گذاشت و جانی دوباره در کالبد آن دمید تا انقلاب اسلامی ایران که برگرفته از قیام امام حسین (ع) بود به انقلاب مکتبی بدل شد. در این مقاله نگارنده قصد تبیین و بررسی چرایی، ریشه‌ها و پیامدهای انقلاب بزرگ سال 57 را نداشته و تنها در صدد است به جستاری پرسه‌گونه در برخی مقاطع و فصل‌های انقلاب به ویژه حوادث سال‌های 56 تا 57 دست یابد از این رو مطلب حاضر به بررسی مستندوار مهم‌ترین اتفاقات سال‌ها و ماه‌های منتهی به پیروزی انقلاب از 29 بهمن 56 تا 22 بهمن 57 پرداخته است. 1) **29 بهمن 56، «تبریز پیشتانز»** تبریز به رهبری آیت‌الله قاضی طباطبایی یا به تعبیر انقلابیون خمینی آذربایجان در اقدامی هماهنگ و برنامه‌ریزی شده بهانه قیام خیزش استبدادستیزی خود را برپایی مراسم چهل شهدای فاجعه 19 دی قم گذاشت. تمامی قشرهای مختلف مردم در قالب گروه‌های مختلف برای آغاز و هدایت قیام ساماندهی و بسیج شدند. میعادگاه مسجد «قرنی» بود. ماموران نظامی از آغازین ساعات صبح مقابله با مبارزان مخالف و انقلابیون را دستور کار قرار دادند. تا اینکه توهین سرگرد حق‌شناس به مقدسات و ساحت مسجد خشم مردم را برانگیخت و باروت خشم را شعله‌ور کرد. در این قیام تاریخی و تاثیرگذار در روند پیروزی نهضت، ده‌ها بانک و سینما، مراکز دولتی، مراکز فساد و فحشا و دفتر حزب رستاخیز از سوی مردم به آتش کشیده شد. در این روز تبریز با تقدیم ده‌ها شهید پایه‌گذار دور جدیدی از مبارزات ضدشاه شد و به عنوان تسریع کننده روند نهضت انقلاب اسلامی ملت ایران نام خود را در تاریخ انقلاب ماندگار کرد. 2) **17 شهریور 57، «روز سیاه تهران»** به دنبال اوج‌گیری حرکت‌های ضدشاه در سراسر کشور به ویژه شهرهای بزرگ، مردم تهران نیز در اعتراض به جنایت‌های شاه در شهرهای کشور دست به تظاهرات اعتراضی زدند. عمال رژیم برای مقابله با این حرکت به قتل عام گسترده مردم تهران در میدان ژاله پرداختند. در این روز صدها نفر از مردم به شهادت رسیدند تا روز 17 شهریور 57 به ننگ‌آورترین روز شاه تبدیل شود. 3) **26 دی ماه 57، «فرار شاه»** محمدرضا پهلوی شاه بیمار ایران که در سر رویای هدایت کشور به سوی «دروازه‌های تمدن بزرگ» را می‌پروانید پس از اوج‌گیری حرکت‌های اعتراضی و انقلابی مردم که از دی و بهمن 56 با قیام‌های قم و تبریز آغاز و در شهریور 57 به اوج خود رسیده بود، فرار را تنها راه خلاصی از آماج خشم و نفرت عمومی دانست و به بهانه استراحت و معالجه کشور را ترک کرد. خروج شاه موجی از شور و شغف را در سراسر کشور حاکم کرد و بر عزم و اراده جدی رهبران انقلاب و مردم در پیشبرد اهداف این حرکت اصلاحی افزود. همزمان با فرار شاه امام خمینی در خطراتی شدید به نمایندگان مجلس و اعضای شورای سلطنت از آنها خواست تا تشکیل و معرفی شورای انقلاب از شرکت در مجلس و شورای سلطنت خودداری کنند. ایشان همچنین در پیامی دیگر بر برپایی راهپیمایی اربعین حسینی تاکید و شرکت در آن را وظیفه شرعی دانستند. شاه ظهر روز سه شنبه 26 دی ماه 57 با هواپیمای اختصاصی معروف خود موسوم به «شهباز» در حالی که یک جت بوبینگ 747 و ده‌ها هلیکوپتر آن را اسکورت می‌کردند به سمت کشور مصر پرواز کرد. به موازات فرار شاه موج گسترده‌ای از تظاهرات ضد رژیم و جشن‌های خیابانی در سراسر کشور به راه افتاده و گروه‌ها و جریان‌های سیاسی با مواضع امام خمینی اعلام حمایت کردند. اما با وجود فرار شاه، دولت وقت همچنان به سرکوب و کشتار مردم ادامه می‌داد. امام که خود را برای بازگشت به کشو آماده می‌کرد در هشداری به سران دولت از مردم نیز خواستند از دولت بختیار تبعیت نکنند. ایشان در پیامی ضمن محکوم کردن کشتار مردم بی‌دفاع توسط عمال شاه فرمودند: «برجمیع جناح‌های ملی و دولتی است که چون گذشته دولت غیرقانونی را محکوم کنند.» روز دهم بهمن ماه 57 خبرهای جدی و رسمی از قطعیت ورود امام به کشور بر سر زبان‌ها افتاد. 4) **12 بهمن 57، «فرشته در آمد»** امام در پیامی به مردم خواستار پرهیز آنها از انجام تشریفات استقبال شدند. کمیته استقبال نیز مقررات مربوط به مراسم استقبال از امام را اعلام کرد. خبرهای رسمی از پاریس حکایت از آن داشت که امام به محض ورود به کشور اقدام به تشکیل شورای انقلاب خواهند کرد. سرانجام انتظارات به پایان رسید و امام ساعت 9/30 صبح روز پنج شنبه 12 بهمن 1357 از پله‌های هواپیمای پایین آمد و در میان بزرگ‌ترین استقبال تاریخ پا به وطن گذاشت. بازگشت امام به میهن نقطه عطف انقلاب و سال‌ها مبارزه برعلیه رژیم ستم شاهی بود و گام نخست پیروزی نهضت را رقم زد. امام در نخستین مصاحبه مطبوعاتی خود با خبرنگاران بار دیگر تاکید کردند که رژیم سلطنتی را قانونی نمی‌دانند. ایشان همچنین از انتخاب و معرفی اعضای شورای انقلاب خبر دادند و فرمودند: «اعضای آن را به زودی معرفی می‌کنم». امام در پاسخ به سئوالی در خصوص تقاضای ملاقات بختیار با ایشان اعلام داشتند که ملاقات با وی را در صورت استعفا بختیار می‌پذیرند. ایشان خاطرنشان کردند «در صورت عدم امکان حل مسالمت‌آمیز مسائل اعلام جهاد خواهند کرد.» در مقابل بختیار در اظهار نظری گستاخانه اعلام کرد که حاضر به سازش با شاه و خمینی نیست و حتی پا را فراتر گذاشت و گفت: «اجازه تشکیل دولت موقت را نخواهد داد». همزمان با این اظهارات برخی از مقامات و وزرای سابق رژیم بازداشت شدند. امام نیز بر تداوم نهضت از طریق تظاهرات تاکید کردند. در روز 12 بهمن ماه بختیار باردیگر در نهایت استیصال و انفعال سیاسی مقابل امام موضع گرفت و اعلام کرد: «هرکس اکثریت داشت حکومت می‌کند» همزمان با اظهارات بختیار چندین وزارتخانه از جمله آموزش و پرورش، وزارت خارجه، وزارت امور اقتصاد و دارایی و کاخ دادگستری توسط فرمانداری نظامی اشغال شدند. از طرفی «سرلشگر ناظم» فرمانده اسبق رکن سوم ارتش اعلام کرد آماده است تمام حقایق ارتش را در اختیار امام بگذارد. حکم ممنوع‌الخروجی 200 وزیر و مقام عالی‌رتبه‌ی رژیم شاهنشاهی نیز صادر گردید و از خروج آنها جلوگیری شد. امام در آستانه معرفی رئیس دولت موقت قرار داشت. 5) **17 بهمن 57 «دولت بازرگان»** امام با معرفی مهندس بازرگان به عنوان رئیس دولت موقت گام دیگری در تثبیت انقلاب برداشتند. ایشان در عین حال از مردم خواستند از طریق تظاهرات آرام و مطبوعات در مورد دولت بازرگان اعلام نظر کنند. امام همچنین اعلام کردند «جزای آن‌هایی را که علیه حکومت بازرگان قیام کنند، سخت خواهد بود.» برگزاری همه‌پرسی درباره تغییر رژیم، برگزاری انتخابات مجلس موسسان و انتخابات مجلس از جمله وظایف و برنامه‌های دولت مهندس بازرگان اعلام شد. بختیار نیز باردیگر مقابل این اقدام امام موضع گرفت و اعلام کرد: «دولت موقت را به عنوان یک شوخی می‌پذیرد.» اما تظاهرات مردمی در تایید اقدام امام حکم به عزل بختیار از نخست وزیری داد. 6) **18 بهمن 57 «آخرین حرف‌های شاه»** شاه در اولین اظهار نظر پس از خروج از ایران در مصاحبه‌ای اگرچه خود را حاکم و فرمانده کل ارتش دانست اما بر این نکته اذعان کرد که «از انتقاد میرا نیست» وی در مصاحبه‌ای با روزنامه «دیلی میل» انگلیس گفت: «اگر ما دستان را دراز کنیم، گفت و شنود را ببذیریم، خواه چه باشند خواه راست همه چیز ممکن خواهد بود و آنچه من از سال 1941 انجام داده‌ام بر باد نخواهد رفت» شاه از سوی دیگر دزدان، کلاهبرداران و امتیازدارانی را که از قدرت سوءاستفاده کرده و قانون را به ریش‌خند گرفته‌اند محکوم و گفت: همین افراد هستند که ایران را ویران کرده‌اند، اما بدانند که به شدت تنبیه خواهند

شد.» شاه تصریح کرد: «خود من هم از انتقاد مبرا نیستم، هیچ شکی ندارد، اما چه طور می‌شود تصور کرد که من 37 سال روزی 10 ساعت برای کمک به مملکت کار کرده باشم فقط برای اینکه ببینم به همان جایی رسیده‌ام که آغاز کرده بودم. این اظهارات در حالی از سوی شاه ایراد می‌شد که مذاکرات پشت‌پرده درباره سرنوشت وی در حال آغاز بود. این مذاکرات قرار بود میان بازرگان و بختیار صورت گیرد، اما همچنان نگرانی از بابت کودتای ارتش به نفع شاه وجود داشت از این رو تغییر یا برکناری برخی فرماندهان ارتش ضروری به نظر می‌رسید. از سوی دیگر مذاکرات پنهانی بازرگان با برخی سران احزاب، مقامات، رهبران سیاسی برای حل و فصل مسالمت‌آمیز مسایل در جریان بود. این در حالی بود که سیل مردم برای شرکت در راهپیمایی حمایت دیگر از دولت بازرگان آماده می‌شد. (7) **19 بهمن 57 «پیمان همافران با امام»** میلیون‌ها ایرانی در عظیم‌ترین راهپیمایی خود در سراسر کشور ضمن اعلام حمایت از انتخاب بازرگان از سوی امام، به دولت موقت «بله» گفتند. در این راهپیمایی نظامیان نیز شرکت و با سردادن شعار «ما قطره‌ای از ارتش تو هستیم خمینی!» خط بطلانی بر تمامی نگرانی‌های موجود از احتمال کودتا بر علیه انقلاب کشیدند. همافران نیروی هوایی ارتش نیز با حضور در محل اقامت امام با ایشان پیمان بستند. کارکنان و مدیران 11 وزارتخانه طی اطلاعیه‌هایی بر حمایت و اطاعت مطلق از دولت بازرگان تاکید کردند. در همین حال بختیار با مشاهده حمایت و طرفداری قاطع مردم از دولت مهندس بازرگان طی یک عقب نشینی آشکار از مواضع قبلی اعلام کرد «نتیجه رفتارند مخالفان را می‌پذیریم» هر چند بعداً نیز اعلام کرد در مقابل بازرگان مقاومت خواهد کرد! (8) **20 بهمن 57 «امام: شاه باید محاکمه شود»** در حالیکه روند جریان‌ات انقلاب بر تثبیت آن و پیروزی امام و ملت بر طاغوت حکایت داشت: زوال دولت سست بنیاد مرغ طوفان - بختیار - را رقم می‌زد. امام خمینی در تازه‌ترین اظهارات خود خطاب به قضات دادگستری خواستار بازگردان شاه به کشور و محاکمه وی در برابر ملت و قانون شدند. ایشان خطاب به 300 تن از قضات و مقامات دادگستری که به دیدار ایشان رفته بودند فرمودند: «برای تعقیب و محاکمه شاه اقدامات قضایی را شروع کنید و در صورتیکه برگرداندن وی برای شرکت در محاکمه میسر نباشد او را غیاباً محاکمه و اموالش را به نفع مردم مصادره کنید.» (9) **21 بهمن 57 «آتش در خرمن عقاب‌ها»** درگیری‌های خونین میان گارد شاهنشاهی و نیروی هوایی در تهران صورت گرفت. گارد جاویدان به تلافی و انتقام دیدار همافران با امام ضمن حمله به پادگان نیروی هوایی در شرق تهران عده‌ای را به خاک و خون کشیدند. در این ماجرا نیروهای مردمی نیز به یاری همافران شتافته و در درگیری با گارد شاهنشاهی شرکت کردند. در همین اثنا مهندس بازرگان نخست وزیر دولت موقت طی یک سخنرانی در جمع هزاران نفر از مردم برنامه‌های دولت را اعلام کرد. تظاهرات 30 هزار نفری مردم در امجدیه نیز که در حمایت از قانون اساسی صورت گرفت، بر تثبیت برنامه‌های دولت و امام کمک کرد. (10) **22 بهمن، «پایان کار طاغوت»** با تنگ‌تر شدن حلقه محاصره انقلاب بر حلقوم استبداد و ته مانده‌های رژیم شاه تمام مراکز دولتی و نظامی یکی پس از دیگری به تصرف انقلابیون درآمد. ستاد ژاندارمری نیز به دست نیروهای مردمی افتاد و سقوط کرد. درگیری‌های خونین میان انقلابیون و طرفداران شاه در کوچه و خیابان‌ها ادامه داشت. هر کوچه و محله‌ای به دژی محکم در برابر طاغوت تبدیل شده بود. هزاران شهید و مجروح در سراسر ایران هدیه مردم برای آزادی کشوری بود که برای به ثمر رسیدن قیام 15 ساله امام و مبارزات مردمی، خون‌های بسیار را ارمغان استقلال و آزادی کرده بود. آری سرانجام انقلاب به پیروزی رسید تا طعم شیرین استقلال کشور و آزادی ملت بر کام ایران اسلامی بنشیند..... نگارنده: احد نقش‌شور.....